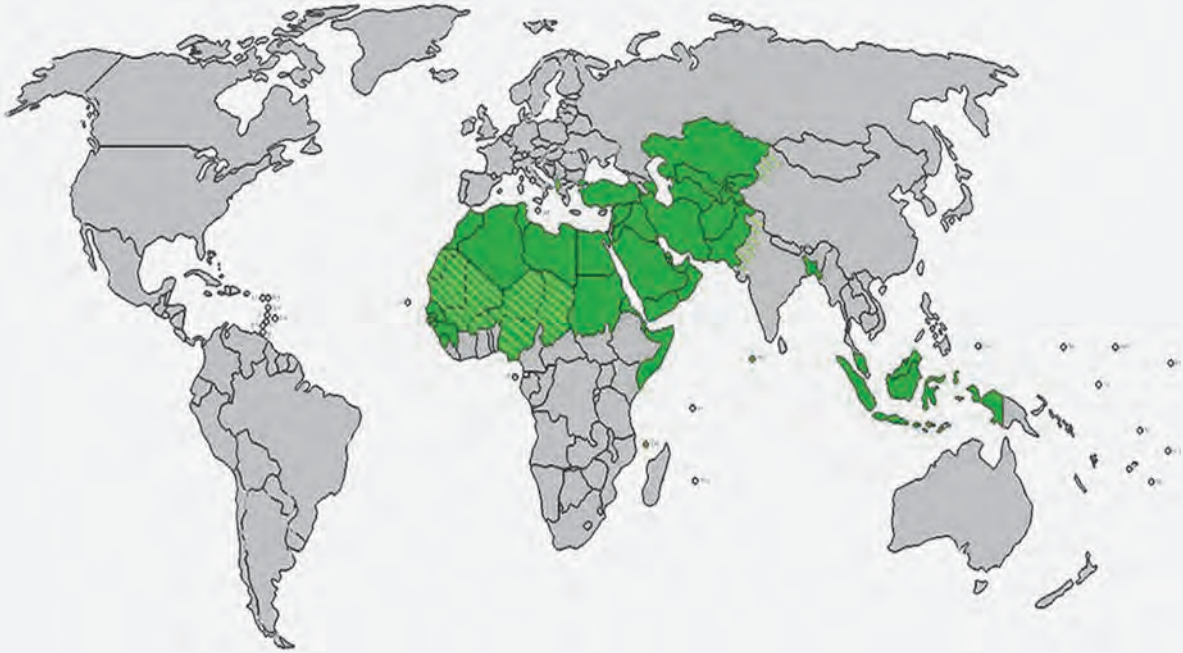




الدَّرْسُ الثَّانِي



العالم الإسلامي جهان اسلام



الدَّرْسُ الثَّانِي

المُعْجَم: واژه‌نامه (۳۲ کلمه جدید)

أَسْعَار	قیمت‌ها «مفرد: سِعْر/ = قِیمَة»	فَارِغ	خالی
إِيْجَار	کرایه، اجاره	قَدَرَ	توانست
بِطَاقَةُ الْهُوِّيَّةِ	کارت شناسایی	كَانَ	گویا، انگار
تَخْفِيفُ	تخفیف	كُنْمْ	پنهان کرد
تَعَلَّمَ	یاد گرفتن	كُلَّ	همه، هر كُلُّ الرَّجَالِ: همه مردان كُلُّ رَجُلٍ: هر مردی
جَعَلَ	قرار داد	لَا بَأْسَ	اشکالی ندارد
حَدَاد	آهنگر	مُبِين	آشکار، آشکارکننده
حَسَنًا	بسیار خوب	مُحَدَّد	مشخص
حَيَاتِكَ اللَّهُ	زنده باشی	مِصْعَد	آسانسور
أَلْخَامِسُ	پنجم		
حَبَّاز	نانوا	مُنْظَمَة	سازمان مُنْظَمَة الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَة: سازمان ملل متحد
ذَاثُ ثَلَاثَةِ أَسْرَةٍ	دارای سه تخت	مَمْرُوج	آمیخته
سَاعَدَكَ اللَّهُ	خسته نباشی	مِنْ قِبَل	از طرف
طَابِقٍ	طبقه «جمع طَوَابِقِ»	نُرِيدُ	می‌خواهیم
طَعَام	غذا «جمع: أَطْعِمَة»	نُصُوص	متن‌ها «مفرد: نَص»
عَالَم	جهان عَالَمِيَّة: جهانی، بین‌المللی عَالَمِيْنَ: جهانیان	يُمْكِنُ	ممکن است
عِنْدَكُمْ	دارید، نزد شما		

اهمیت زبان عربی

أَهْمِيَّةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

سپاس خدای پروردگار جهانیان برای اینکه ما سال قبل موفق شدیم و تواناییم بر

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ لِأَنَّنا نَجَحْنَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ قَادِرُونَ عَلَى

خواندن جمله ها و متن های آسان

قِرَاءَةِ الْعِبَارَاتِ وَ النَّصُوصِ السَّيِّطَةِ.

ما نیاز به یادگیری زبان عربی هستیم، زیرا ان زبان دین ماست، و زبان فارسی امیخته است

نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى تَعَلُّمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، لِأَنَّها لُغَةُ دِينِنَا، وَ اللُّغَةُ الْفَارِسِيَّةُ مَمزُوجَةٌ

بها کثیراً. با آن بسیار

همانا زبان عربی از زبان های جهانی است

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنَ اللُّغَاتِ الْعَالَمِيَّةِ.

قران و احادیث به زبان عربی آشکار است

الْقُرْآنُ وَ الْأَحَادِيثُ ﴿بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾.

عربی از زبان های رسمی در سازمان ملل متحد است

الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي مُنْتَظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

ابراهی ها خدمت کردند زبان عربی را بسیار. فیروزآبادی نوشت فرهنگ لغتی در

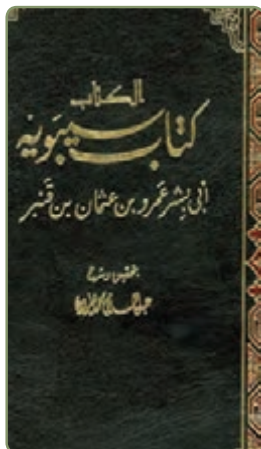
آلایران یون خَدَمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ كَثِيرًا. «الْفَيْرُوزْآبَادِي» كَتَبَ مُعْجَمًا فِي

زبان عربی اسمش (القاموس المحيط)، و سیبویه نوشت اولین کتاب کاملی

اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمُهُ «الْقَامُوسُ الْمُحِيطُ»، وَ «سَيِّوِيَّة» كَتَبَ أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ

في قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمُهُ «الْكِتَابُ».

در قواعد زبان عربی اسمش (الکتاب) است



بیشتر اسم پسرها و دختران در جهان اسلام عربی است

أَكثَرُ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ.

واژه های عربی، بسیاری در فارسی و این به دلیل احترام ایرانی ها به قرآن است
الكلمات العربیة، كثیرة فی الفارسیة و هذا بسبب احترام الإيرانيین للغة القرآن.
من می دانم معنی کلمه های زیادی را و یاد میکنم واژه های سال قبل و می توانم بر
أنا أعرف معنی کلمات کثیرة و أذكرُ كُلَّ كَلِمَاتِ السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ أَقْدِرُ عَلَى

خواندن متن های ساده. در مثال های امده
قراءة النصوص البسيطة. جاء في الأمثال:

دانش در خردسالی مانند نقاشی بر سنگ است
«الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقِشِ فِي الْحَجَرِ»

ای برادر آیا معنی واژه های کتاب اول را هم می دانی؟
يا أخي، أتعرفُ معنی کلماتِ الْكِتَابِ الْأَوَّلِ أيضاً؟

یا اُختی، أَتَفْهَمِينَ مَعْنَى الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ السَّهْلَةِ؟

ای خواهر، آیا معنی آیه ها و حدیث های آسان را می فهمی؟



فعل مضارع

أَفْعَلُ الْمُضَارِعُ ← (أَفْعَلُ)، (تَفَعَّلُ، تَفَعَّلِينَ)









أَنَا أَكْتُبُ بِالْقَلَمِ الْأَحْمَرِ. من با مداد قرمز می نویسم
أَنَا أَكْتُبُ بِالْقَلَمِ الْأَسْوَدِ. من با مداد مشکی می نویسم



أَنْتِ تَحْفَظِينَ الْقُرْآنَ بِدَقَّةٍ.
تو با دقت قرآن را حفظ می کنی

أَنْتَ تَحْفَظُ الْقُرْآنَ جَيِّدًا.
تو با دقت قرآن را حفظ می کنی

سال گذشته با فعل ماضی آشنا شدید. فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد. امسال با فعل مضارع آشنا می شوید. فعل مضارع بر زمان حال و آینده دلالت می کند. به مقایسه فعل های عربی و فارسی توجه کنید.

ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	فعل ماضی
من انجام می دهم.	أَنَا أَفْعَلُ.  اوّل شخص مفرد (متکلم وحده)	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ.  اوّل شخص مفرد (متکلم وحده)
تو انجام می دهی.	أَنْتَ تَفْعَلُ.  دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب)	تو انجام دادی.	أَنْتَ فَعَلْتَ.  دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب)
	أَنْتِ تَفْعَلِينَ.  دوم شخص مفرد (مفرد مؤنث مخاطب)		أَنْتِ فَعَلْتِ.  دوم شخص مفرد (مفرد مؤنث مخاطب)

بیشتر کلمه‌هایی که بر آهنگ «فَعَلَ ، فَعِلَ و فَعُلَ» هستند، فعل ماضی‌اند و اگر بر سر آنها یکی از حروف «أ، ت، ي، ن» بیاید، به فعل مضارع تبدیل می‌شوند؛
 مثال: ذَهَبَ ← أَذْهَبُ، تَذْهَبُ، تَذْهَبِينَ
 مانند مثال ترجمه کنید.

می‌روم	أَذْهَبُ	رفتم	ذَهَبْتُ
می‌سازم	أَصْنَعُ	ساختم	صَنَعْتُ
می‌دانی	تَعْلَمُ	دانستی	عَلِمْتَ
می‌کاری	تَزْرَعُ	کاشتی	زَرَعْتَ
می‌شناسی	تَعْرِفِينَ	شناختی	عَرَفْتَ
قبول می‌کنی	تَقْبَلِينَ	قبول کردی	قَبِلْتَ

الْتَّمَارِين

١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

١. قَلِيلٌ مِنْ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ.
٢. كَتَبَ سَبِيحِيَّةً أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ.
٣. كَتَبَ الْفَيْرُوزَابَادِيُّ مُعْجَمًا فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.
٤. الْإِيرَانِيُّونَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ قَلِيلًا.

ترجمه کنید.



يا سَيِّدَهُ، ماذا تَفْعَلِينَ؟
أَفَرَأَى آيَاتِ مِنَ الْقُرْآنِ.
ای خانم چکار می کنی
ایه هایی از قرآن می خوانم

يا وَدُّ، ماذا تَفْعَلُ؟
أَنْظُرُ إِلَى صُورَةٍ.
ای پسر چکار می کنی؟
به عکسی نگاه می کنم



أَتَذْهَبِينَ مَعَ أَخْتِكَ؟
لا؛ أَذْهَبُ مَعَ صَدِيقَتِي.
آیا با خواهرت میروی؟
نه؛ با دوستم میروم

هَلْ تَصْنَعُ كُرْسِيًّا؟
لا؛ أَصْنَعُ مِيزَةً.
آیا صندلی میسازی؟
نه؛ میز میسازم

۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

هر کلمه را به توضیح مرتبط با آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است».

۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید؛ سپس فعل ماضی و مضارع را مشخص کنید.

۱. ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ (الأنبياء: ۳۰)

وقرار دایم از آب همه چیز را زنده

۲. أَنْتَ قَبِلْتَ كَلَامَ وَالِدِكَ وَالآنَ تَعْمَلُ بِهِ.

تو سخن پدرت را پذیرفتی و الان به آن عمل می کنی

۳. أَنْتِ حَفِظْتِ سُورَةَ النَّصْرِ وَالآنَ تَحْفَظِينَ سُورَةَ الْقَدْرِ.

تو سوره نصر را حفظ کردی و الان سوره قدر را حفظ می کنی

۴. أَنَا دَخَلْتُ الصَّفَّ الثَّامِنَ وَأَنْتَ تَدْخُلُ الصَّفَّ الْخَامِسَ.

من به کلاس هشتم وارد شدم و تو به کلاس پنجم وارد می شوی

٥ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

گزینۀ مناسب را انتخاب کنید.

١. أَأَنْتِ الْبَابَ قَبْلَ دَقِيقَتَيْنِ؟ طَرَفْتَ تَطَرَّقُ
٢. أَنَا عَنْ طَرِيقِ الْجَنَّةِ فِي حَيَاتِي. بَحَثْنَا أُبَحِّثُ
٣. يَا حَدَّادُ، أَأَنْتِ فِي الْمَصْنَعِ أَمْسِ؟ تَعْمَلِينَ عَمِلْتِ
٤. يَا أُخْتِي، هَلْ الطَّعَامَ قَبْلَ دَقِيقَةٍ؟ شَرِبْتِ أَكَلْتِ
٥. أَأَنْتِ بِجَمْعِ الْفَوَاكِهِ بَعْدَ يَوْمَيْنِ؟ بَدَأْتُ تَبَدَّيْتُ
٦. أَيُّهَا الْخَبَّازُ الْمُحْتَرَّمُ، هَلْ بَعْدَ دَقَائِقِ؟ تَعْمَلِينَ تَعْمَلُ

٦ التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

مانند مثال ترجمه کنید.

				←		
نَظَرَ: نگاه کرد	أَنْظُرُ	نگاه می‌کنم	تَنْظُرُ	نگاه می‌کنی	تَنْظُرِينَ	نگاه می‌کنی
سَأَلَ: پرسید	أَسْأَلُ	می‌پرسم	تَسْأَلُ	می‌پرسی	تَسْأَلِينَ	می‌پرسی
سَمَحَ: اجازه داد	أَسْمَحُ	اجازه می‌دهم	تَسْمَحُ	اجازه می‌دهی	تَسْمَحِينَ	اجازه می‌دهی
ذَكَرَ: یاد کرد	أَذْكُرُ	یاد میکنم	تَذْكُرُ	یاد میکنی	تَذْكُرِينَ	یاد میکنی

در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید. «پاسخ کوتاه کافی است».



الحمد لله انا بخير شكراً	كَيْفَ حَالِكِ؟	۱. كَيْفَ حَالِكِ؟
اسمى.....	مَا اسْمُكَ؟	۲. مَا اسْمُكَ؟
انا.....	مَنْ أَنْتِ؟	۳. مَنْ أَنْتِ؟
فى البيت	أَيْنَ أَنْتِ؟	۴. أَيْنَ أَنْتِ؟
لا	هَلْ أَنْتِ مِنْ كَرَجِ؟	۵. هَلْ أَنْتِ مِنْ كَرَجِ؟

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. لِكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَ طَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ. رسول الله ﷺ

برای هر چیزی راهی هست و راه بهشت دانش است

۲. الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْعِبَادَةِ. رسول الله ﷺ

دانش برتر از عبادت است

۳. زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. الإمام علي عليه السلام

زکات دانش انتشار آن است

۴. مَنْ سَأَلَ، عَلِمَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هر کس پرسید دانست (فهمید) (می داند)

۵. مَنْ كَتَمَ عِلْمًا، فَكَأَنَّهُ جَاهِلٌ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هر کس دانشی را پنهان کند پس گویا او نادان است

چه وبگاه (سایت) یا وبلاگ مناسبی در زمینه آموزش زبان عربی می شناسید؟



گفتگوی های اربعین

الأربعینات

اجاره کردن اتاق در کربلا

إيجارُ العُرْفَةِ في كَرْبَلَاءَ

خدا قوت

سَاعِدَكَ اللهُ!

ایا اتاق خالی دارید برای سه خانواده

- هَلْ عِنْدَكُمْ عُرْفَةٌ فَارِعَةٌ ذَاتُ ثَلَاثَةِ أَسْرَةٍ؟

ایا در طبقه اول ندارید؟

- أَمَا عِنْدَكُمْ فِي الطَّابِقِ الْأَوَّلِ؟

خب، می خواهیم اتاق را ببینیم

- حَسَنًا، نُرِيدُ رُؤْيَةَ العُرْفَةِ.

اجاره اش چقدر است؟

- كَمْ إيجَارُهَا؟

ایا تخفیف ممکن است

- هَلْ يُمَكِّنُ التَّخْفِيفُ؟

- حَيَّاكَ اللهُ! زنده باشی

بله داریم در طبقه چهارم

- نَعَمْ، عِنْدَنَا فِي الطَّابِقِ الرَّابِعِ.

نه؛ نداریم ولی آسانسور هست

- لَا؛ مَا عِنْدَنَا، لَكِنْ، الْمَصْعَدُ مَوْجُودٌ.

مشکلی نیست این کلیداتاق است

- لَا بَأْسَ؛ هَذَا مِفْتَاحُ العُرْفَةِ.

خدا قوت

- أَمَامَكَ لَوْحَةُ الإيجارات.

نه زیرا قیمت هاز طرف حکومت مشخص شده

- لَا؛ لِأَنَّ الْأَسْعَارَ مُحَدَّدَةً مِنْ قِبَلِ الْحُكُومَةِ.

کم لیله انتم فی کربلاء؟

شما چند شب در کربلا هستید

- أَيْنَ بِطَاقَاتِ هُويَاتِكُمْ؟

کارت های شناسایی تون کجاست؟

- ثَلَاثَةٌ لِيَالٍ. سه شب

- هَذِهِ بِطَاقَاتُنَا.

این کارت های شناسایی مون

